

مؤسسه نسل تمدنی انقلاب اسلامی

متن محوری دوره

مخاطب شناسی

مدرس: حجت الاسلام و المسلمین گلردی

مخاطب شناسی

حجت الاسلام گلردی

تهیه شده توسط مؤسسه نسل تمدنی انقلاب اسلامی

زمستان ۱۴۰۳

www.hamyar28.ir



همیار ۲۸
HAMYAR28.IR

فهرست مطالب

مقدمه	۵
انسان‌شناسی	۷
ویژگی‌های نوجوان	۹
ویژگی‌های نوجوان امروزی	۲۲

متن محوری دوره مخاطب شناسی

مقدمه

«جامعه بشری نیازمند بقال، بنا، مقنی، نجار، مهندس، طبیب و مربی است. این‌ها همه نیازهای جامعه است، اما شدیدترین آن‌ها نیاز تربیتی است؛ زیرا صنعت و تکنیک پیشرفته در جامعه‌ای که فقر تربیتی دارد، جز به انهدام و نابودی آنان کمک نمی‌کند و همانند تیغ تیزی است که در دست کودکی باشد. هرچه تیغ تیزتر باشد دست کودک زودتر جدا شده و جانش بیشتر در خطر افتاده است.»

اهمیت و چرایی کار تربیتی بر هیچ‌یک از ما پوشیده نیست، اما حضور مؤثر در این عرصه لوازم و الزاماتی دارد که بعضاً مورد غفلت قرار می‌گیرد، چه از آن جهت که میدان وسیع این نیازها ما را دلسرد کرده و چه از آن جهت که به داشته‌ها و تجربیات خود دل خوش کرده و گرفتار بی‌تحریکی می‌شویم. یکی از مهم‌ترین این نیازها، شناخت مخاطب است. شناختی که منبعث از وحی الهی و یافته‌های علمی معتبر باشد.

این موضوع که ما در هر قدم از کارهای خود احتیاج به معرفت و شناخت داریم را می‌توان از توصیه‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) به جناب کمیل استخراج کرد: «يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ؛ ای کمیل هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو در آن نیازمند شناخت هستی.»

ضرورت این مبحث وقتی بیشتر خودنمایی می‌کند که «تفاوت‌ها» نمایان می‌شود، تفاوت‌هایی که انسان‌ها را پیچیده و چندلایه می‌نماید. این تفاوت‌ها دامنه وسیعی دارند، چنان‌که سن و سال، روحیات، فرهنگ و... گوشه‌ای از این تفاوت‌ها را رقم می‌زنند.

در این بحث مخاطب شناسی، مورد مطالعاتی «مخاطب نوجوان» است. با توجه به این رویکرد محدوده بررسی ما کوچک تر و البته تخصصی تر می شود. در این متن برای شناخت مخاطب نوجوان باید سه سطح از شناخت را کسب کنیم:

۱. انسان شناسی؛ مخاطب نوجوان ما قبل از هر چیزی، انسانی دارای امیال فطری و قوای انسانی و غرایز حیوانی است. چگونگی آرایش این قوا، استعدادهای جوارحی و جوانحی، روابط این همه با هم و ... را در این بخش باید مطالعه کرد.

۲. ویژگی های نوجوان؛ محدوده دوران نوجوانی، مراحل تطوّر نوجوانی، وضعیت جسمی، عاطفی، ذهنی، اخلاقی و اجتماعی در این دوران از مباحث این بخش است.

۳. ویژگی های نوجوان امروزی؛ نوجوان امروزی در مواجهه با وضعیت عصر معاصر، با همه تهدیدها و فرصت هایش، ویژگی ها و شکل هایی را به خود گرفته که شاید او را با نوجوان دیروز متمایز می کند. در بخش سوم سعی شده تا چنین ویژگی هایی گفته شود.

بنابراین موضوعات را ذیل سه بخش مورد بررسی قرار می دهیم: انسان شناسی؛ ویژگی های عام نوجوان؛ ویژگی های نوجوان امروزی.

انسان‌شناسی

دگرگون کردن و متحوّل ساختن آدمی، بدون داشتن تصویر و توصیفی از وی، میسر نیست. ازاین‌رو، در هر نظام تربیتی، توصیف انسان به‌منزلهٔ سنگ بنای آن است؛ زیرا همهٔ اجزای یک نظام تربیتی، اعم از مفاهیم، تمثیل‌ها، اهداف، اصول، روش و مراحل تربیت، به نحوی ناظر به وضع انسان است. در این بخش تأمل کنید تا مشخص شود هرکدام از این ویژگی‌ها، چگونه در ترسیم روند تعلیم و تربیت متربیان تأثیر می‌گذارد.

جدول ویژگی‌های مهم‌تر انسان		
ویژگی‌های خاص انسان	ویژگی‌های مشترک با حیوان	
فکر، عقل و شهود	حواس پنج‌گانه، خیال و هم	اندیشه و معرفت
گرایش‌های فطری مثل گرایش به عبودیت، حقیقت، زیبایی و کمال	شهوت ^۳ و غضب ^۴	عاطفه و گرایش
اراده و نیت انسانی، کرامت ذاتی، آزادی و اختیار، تأثیرپذیری از محیط و انسان‌های دیگر، اجتماعی بودن، ظهور تدریجی اخلاق و شاکله انسان و...	ضعف وجودی ^۵ ، عجل بودن ^۶ و...	رفتار و توانایی

به‌طور خلاصه می‌توان گفت انسان دارای دو دسته ویژگی است:

۱- ویژگی‌های مشترک با نبات و حیوان،

۲- ویژگی‌های خاص انسان.

ویژگی‌های خاص انسان مواردی است که سبب تفاوت و تعالی انسان نسبت به دو گونه پست‌تر از خود می‌شود.^۷ همان‌طور که عدم نظر به ابعاد فرا مادی انسان خطایی بزرگ است، نادیده انگاشتن ابعاد مادی و حیوانی انسان نیز منجر به مواجهه غلط با انسان می‌شود.

انسان در دستگاه ادراکی خود علاوه بر حس و خیال، دارای فکر و عقل است. که منشأ اصلی بسیاری از تمایزات انسان همین قوه است. به عنوان مثال ویژگی‌هایی مثل آزادی و اختیار در عمل که برای انسان می‌شمارند، به خاطر همین قوه متمایز از حیوان است. هوش و خلاقیت نیز به عنوان دو توانایی ویژه انسانی در فرع فکر و عقل قابل طرح است. همچنین باید توجه داشت در دستگاه ادراکی انسان امکان شهود حقایق غیبی عالم نیز در برخی مراتب بالاتر فراهم است.

علاوه بر دستگاه ادراکی، در انسان امیال فطری متمایزی نسبت به حیوان قرار داده شده است که در مجموع میل و گرایش به بهترها را در انسان ایجاد کرده است. پرستش گرایی، گرایش به حقیقت جویی، گرایش به زیبایی خواهی، کمال طلبی و مطلق گرایی، گرایش به انسان کامل از جمله این گرایش‌های فطری است. هرچند نباید فراموش کرد در مقابل امیال غریزی حیوانی مثل شهوت و غضب نیز در انسان وجود داشته و انسان را به سمت دلخواه خود می‌کشاند.

بنابراین انسان دارای ابعاد مختلفی از مادی تا فرا مادی است. به ازای وجود مادی خود ضعف و شکنندگی بسیاری دارد و به ازای وجود فرا مادی خود دارای رفعت و کرامتی ذاتی است. انسان از محیط پیرامون خود (هم از عالم ماده پیرامون خود و هم از عوالم فرا ماده و هم از انسان‌های دیگر) تأثیر می‌پذیرد. برای به در آمدن از گرایش‌های و قوای حیوانی و فعلیت یافتن قوای انسانی زمان زیادی لازم است تا به تدریج انسان به سمت کمال خود حرکت کند. و به ازای میزان فعال شدن هر کدام از قوا و امیال، تفاوت‌هایی بین فرد فرد انسان‌ها وجود دارد.

با توجه به اینکه در متن محوری بنا بر خلاصه گویی است و بنا بر اینکه در بسیاری از کتب در باب مبانی انسان‌شناسی سخن گفته شده و احتمال می‌رود به گوش اغلب مربیان رسیده باشد، در این بخش فقط به بیان همین خلاصه اکتفا می‌شود. برای توضیحات بیشتر به کتاب مبانی و نقشه راه برنا یا کتاب‌های دیگر در این باب مراجعه شود.

ویژگی‌های نوجوان

در این بخش با شناخت ویژگی‌های نوجوانی گام‌های خاص‌تر و مؤثرتری را جهت شناخت مخاطب بر خواهیم داشت، ان شاء الله.

نوجوان از یک‌سو، در حال گسیختن پیوندهای خود با دورهٔ کودکی است و از دیگر سو، شیفتهٔ دستیابی به استقلال جوانی و بزرگ‌سالی است، یعنی در برزخ بین کودکی و جوانی به سر می‌برد، ولی به‌طور کامل نه این است و نه آن و به عبارتی دیگر هم این است و هم آن. لذا این دوره دارای طیفی وسیع است که با بخشی از قلمرو کودکی مرتبط می‌شود و در انتهای طیف به دنیای جوانی پهلوی می‌زند.

لطف‌آبادی در روان‌شناسی رشد تغییر و تحولات این دوره را به سه مرحله تقسیم می‌کند:

مرحله اول: فاصله گرفتن (۱۲-۱۴ سالگی)

بروز رشد جسمی و اولین نشانه‌های بلوغ، با نوعی تمایل طبیعی برای فاصله گرفتن کودک از بزرگ‌سالان، به خصوص والدین همراه است. رفتارهایی محرمانه و اختصاصی، نقش روانی، اجتماعی مهمی در پایان دادن به وابستگی‌های کودکانه قبلی به والدین و سایر بزرگ‌سالان ایفا می‌کند. با افزایش این فاصله، کودک می‌تواند با دوستان نزدیک خود راز و رمزهایی را مطرح کند و ارتباط‌های ویژهٔ دوره نوجوانی را با گروه هم‌سالان و به دور از والدین و معلمان و دیگر بزرگ‌سالان به وجود آورد.

مرحله دوم: جدایی تدارکاتی (۱۵-۱۷ سالگی)

این مرحله که هسته اصلی نوجوانی و مشکلات آن است، با رشد بیشتر بدنی و جنسی همراه است و سطح عالی‌تری از ادراک «خود» را تجلّی می‌دهد. رشد مغز و توانایی‌های شناختی نوجوان با درونی شدن حیات عاطفی و ارتباط عمیق‌تر با گروه هم‌سالان، جدایی بیشتر ویژگی‌های روان‌شناختی نوجوان و باورها و ارزش‌های او از والدین و بزرگ‌سالان را به بار می‌آورد. این جدایی هرچند به‌ندرت جنبه جدایی مکانی نوجوان با والدین و بزرگ‌سالان را پیدا می‌کند، اما معمولاً یک جدایی روحی، فکری، ارزشی و رفتاری است و زمینه‌های ذهنی استقلال را برای او فراهم می‌آورد. در همین مرحله، انسجام جنبه‌های مختلف بدنی و جنسی و تصور

از خویش به صورت هویت واحد شکل می‌گیرد و پاسخ‌گویی به سؤال اساسی «من کیستم؟» به تدریج در ذهن نوجوان تحقق می‌یابد.

مرحله سوم: ورود به مناسبات اجتماعی (۲۰-۱۸ سالگی)

چنانچه رشد نوجوان در مراحل پیشین به‌گونه‌ای نسبتاً بهنجار صورت گرفته باشد، در این مرحله آخر نوجوانی به تدریج به صورت يك فرد مستقل و خودکفا در مناسبات خانوادگی، آموزشی، شغلی، اجتماعی و فرهنگی ایفای نقش می‌کند و در چنین صورتی می‌توان امیدوار بود که مراحل رشد و پرورش او به درستی انجام شده و او آماده است تا زندگی جوانی و بزرگسالی را با موفقیت آغاز کند و ثمرات رشد و پرورش بیست‌ساله را در تداوم زندگی خویش آشکار نماید.^۸

اما درواقع نمی‌توان این سنین را قطعی دانست؛ ممکن است نوجوانی فردی - که عبارت بود از حالت برزخیت بین کودکی و بزرگسالی - از سنین پایین‌تر شروع و زودتر اتمام یابد و یا برعکس؛ و برحسب افراد و شرایط پیرامون آن‌ها، متفاوت است.

در «روان‌شناسی»، در مکتب «پیاژه»^۹ روشی هست که سنّ افراد را می‌توان از روی انتخاب‌هایشان تعیین کرد که تحت عنوان «نظریه اخلاقی پیاژه» مشهور است. «اورنس گهلبرگ» روان‌شناس آمریکایی از پیروان مکتب پیاژه در پی تحقیقی که بر روی مردم آمریکا انجام داده و سنّ افراد را از روی انتخاب‌های آن‌ها تعیین نموده در یک نتیجه‌گیری عجیب می‌گوید: «اغلب بزرگسالان آمریکایی در سطح اخلاقی مراحل سوم و چهارم یعنی چهارده سالگی عمل می‌کنند و درصد کمی از مردم به سطح اخلاق «مافوق قراردادی» دسترسی پیدا می‌کنند. او معتقد است در آمریکا حتی بزرگسالانی وجود دارند که تفکر اخلاقی رشد نایافته پیش از «قراردادی» خود را همچنان ادامه می‌دهند و رفتار اخلاقی خود را بر اساس اجتناب از تنبه و گرفتن پاداش تنظیم می‌کنند؛ زیرا مردم وقتی تحت تأثیر فرهنگ غربی و مکتب حسّی باشند، انتخاب‌هایشان عمیق و دراز مدّت واقعی نیست و از نظر انتخاب‌های منطقی، در چهارده سالگی که شروع انتخاب‌های بزرگ می‌تواند باشد - متوقف شده‌اند و از نظر فکری رشد لازم را نکرده‌اند، حتی اگر از نظر سنّی پنجاه ساله هم

باشند چون نتوانسته‌اند در جوانی انتخابِ بزرگ خود را انجام بدهند، در کودکی خود متوقف شده‌اند و عملاً از نظر روحی به جوانی نرسیده‌اند. به عنوان مثال شما در همه جا سراغ دارید انسان‌هایی را که مثلاً با اینکه چهل سال دارند، ولی از برنامه‌های کارتونی که تماماً بازی خیالات است، خوششان می‌آید، اگرچه می‌دانند که این برنامه‌ها خیالاتی و غیرواقعی است. این اشخاص هنوز انتخاب بزرگ خود را انجام نداده‌اند و در حدّ خیال مانده‌اند. درحالی‌که يك انسان عاقل هرگز نمی‌تواند با خیالاتِ غیرواقعی خوش باشد و با همان‌ها خود را راضی نگه دارد.^{۱۰}

بنابراین به جای پرداختن به سن و سال و ماه، باید بررسی شود که این دوران با چه خصوصیات ویژگی‌هایی بروز و ظهور می‌کند و نحوه‌ی مواجهه با هریک از این خصوصیات را فراگرفت. البته باید توجه داشت روش‌های مواجهه با نوجوان در مباحث آینده مثل گام‌های مقدماتی تربیت، روش‌های تربیتی و غیره آموزش داده می‌شود و باید مخاطب‌شناسی را به عنوان مبانی آن مباحث به عنوان مقدمه طرح کرد. در ادامه ویژگی‌های دوران نوجوانی به صورت تفصیلی بیان شده است:

۱. تغییرات جسمی

نوجوانی پس از مرحله جنینی، که از تغییرات سریع و فوق‌العاده برخوردار است، دومین مرحله تغییر و تحولات چشمگیر و پرشتاب است. از این رو، روان‌شناسان بیشتر تمایل دارند که در این مورد به جای «رشد» واژه «جهش» را به کار گیرند. در سال‌های اولیه بلوغ (سنین ۱۲ تا ۱۳ سالگی) تعادل جسمی نوجوان بر هم می‌خورد و تغییرات عمیقی در ارگانیزم به وجود می‌آید، شکل و حجم بدن تغییر می‌کند و دستخوش دگرگونی می‌شود و طرح عمومی بدن نوجوان از حالت کودکی خارج شده، مانند قالب و اندازه بزرگسالان می‌شود. اعضای بدن از پایین به بالا رشد می‌کند، به گونه‌ای که ابتدا پاها بزرگ و دراز می‌شوند، سپس رشد بخش‌های میانی بدن و عضلات آغاز می‌گردد و به همین ترتیب سایر اعضای بدن نیز تحول می‌یابند. افزایش ناگهانی قد و وزن آشکارترین نشانه اولیه بلوغ است. این تغییر سریع به طور معمول در دختران و پسران حدود ۲ سال طول می‌کشد. بیشتر دختران در سنین بین ۱۴ تا ۱۵ سالگی به قد بزرگسالی می‌رسند،

اما در اکثر پسران این رشد در حدود ۱۸ سالگی حاصل می‌شود. پیش از رشد ناگهانی بلوغ بدنی، قد پسران حدود ۲ درصد بلندتر از قد دختران است.

در اثر رشد جسمی، نوجوانان حساسیت زیادی نسبت به بدن خویش پیدا می‌کنند. پسران این احساسات را با ایستادن در مقابل آینه و نظاره کردن بدن خود و اندیشیدن نسبت به طبیعی بودن یا نبودن رشد خود ظاهر می‌سازند و نیز نسبت به تناسب اندام‌ها، حالت پوست، موی سر و حالت چهره و چاقی و لاغری و درشتی و ریزندامی خود حساس می‌شوند. نوجوانانی که در این دوره خود را طبیعی و بالنده تلقی می‌کنند، در آینده نیز از عزت نفس و شادمانی بیشتری برخوردار خواهند بود.^{۱۱}

۲. تغییرات جنسی (بلوغ جنسی)

مهم‌ترین ویژگی مخاطب نوجوان، تغییرات سن بلوغ است. مواجهه نوجوان با برخی مسائل این دوران، او را در موقعیتی حساس قرار می‌دهد که روانشناسان نام بحران بلوغ را برای آن موقعیت برگزیده‌اند. گرچه نوجوانی و بلوغ در ذات خود بحران ندارد اما از جهت خطیر بودن موقعیت، می‌توان نام بحران بلوغ را برای آن استفاده کرد.

تغییرات جنسی در ذیل تغییرات جسمی می‌گنجد؛ اما به خاطر اهمیت آن در عنوان جدایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بلوغ جنسی به معنای رسیدن به سن تولیدمثل است که با ازدیاد هورمون‌ها آغاز می‌شود. در این شرایط غدد جنسی از خواب بیدار شده و تمایل جنسی را به وجود می‌آورد. انسان در آغاز نوجوانی دارای رشد و جهش خاصی است و با تغییرات جسمی، هورمونی و ظهور ویژگی‌های جنسی ثانویه همراه است. این تغییرات طی یک دوره تقریباً دوساله رخ می‌دهد و با بلوغ جنسی به اوج خود می‌رسد. در این زمان، وظایف والدین و مربیان نسبت به گذشته، پیچیده‌تر و سنگین‌تر می‌شود.^{۱۲}

سن بلوغ در محیط‌های مختلف متفاوت است و بستگی به عوامل جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی دارد. دوران بلوغ پسران بین ۱۵ تا ۱۶ سالگی (۱۳ - ۱۸) و دوران بلوغ دختران بین ۱۳ تا ۱۴ (۱۱ - ۱۶) تخمین زده می‌شود.

اکنون در اکثر موارد سن بلوغ نوجوانان کاهش یافته است. عوامل زیادی در بلوغ زودرس مؤثر است. وضعیت استخوان بندی، قد، آب و هوا، تغذیه و بسیاری عوامل دیگر در ترشح زودرس برخی هورمون ها و بلوغ زودرس مؤثر است، اما مهم ترین عامل این زمانه محیط های محرکی است که نوجوانان در معرض آن قرار دارند. سن بلوغ در نروژ از ۱۸۴۰ تا ۱۹۵۰ از ۱۷ به ۱۳/۵ و در آمریکا از ۱۹۰۵ تا ۱۹۵۵ از ۱۴/۲ به ۱۲/۹ رسیده است.^{۱۳}

اگر محیط و اجتماع فرزند کودک و نوجوان را در معرض انواع محرک های جنسی قرار بدهد او را دچار بلوغ زودرس می کند؛ در این صورت نوجوان قبل از به دست آوردن توان مقابله با اژدهای نفس خود باید به مقابله با او پردازد. قبل از اینکه عقل به قدر کافی تقویت شود باید بتواند انتخاب درستی بکند و بر هیجانات جنسی خود غلبه کند؛ یعنی او را در یک پیکار نابرابری قرار می دهیم که در اغلب موارد برنده معلوم است. به همین خاطر نوجوان امروز ما تمرکز کافی بر ذهن خود ندارد، به وظیفه اصلی خود در این سنین که همان درس خواندن و علم آموزی است نمی پردازد، چون هم تمرکز از او گرفته شده و هم دوست دارد وقت خود را بر سر کردن غریزه های حیوانی خود بگذارد، درحالی که این غرایز درواقع سیری ناپذیر هستند. به صورت کلی دو قوا در انسان کار می کند قوای حیوانی و قوای انسانی. اگر قبل از تقویت قوای انسانی مثل عقل به بیدار کردن و تقویت قوای حیوانی دامن بزنیم، بلوغ زودرس را شاهد خواهیم بود. اگر بیشتر از آنکه برای تأمین و در امان ماندن از غریزه جنسی به تحریک آن پردازیم بلوغ زودرس را کلید زده ایم.

۳. تحرک، شادابی، انرژی مضاعف و علاقه به ماجراجویی

مربیان والدین به جای اینکه تحرک نوجوانان و جوانان را منع کنند، باید بستری را مهیا کنند تا انرژی زیاد فرزندان به صورت مطلوب هدایت شود. ورزش، اردو، محیط شاداب آموزشی و قالب هایی از این دست در برنامه های نوجوانان از واجبات است.

امروزه بسیاری از مادران و پدران از شیطنت بسیار زیاد کودکانشان شکایت دارند. آن ها اظهار می دارند که فرزندشان مرتب در حال حرکت و فعالیت است و نوعی حالت بی قراری و نا آرامی در او مشاهده می کنند. در اغلب این موارد والدین به خطا از اختلالی به نام بیش فعالی سخن می گویند درحالی که فقط موارد معدودی

از این موارد را در صورتی که به فقدان تمرکز حواس و ضعف درسی و بی‌قراری بیش از اندازه و غیره منجر شود می‌توان بیش فعالی نامید.

علت به وجود آمدن بیش فعالی احتمالاً ترکیبی از عوامل ژنتیکی و محیطی است. احتمالاً این کودکان در بخش‌های مربوط به توجه و تمرکز در مغز دچار نقص جزئی هستند. استنشاق دود سیگار توسط مادر باردار، باعث اختلال در رفتار کودک می‌شود. استرس مادر هم با این موضوع ارتباط دارد.

مسمومیت ناشی از سرب حاصل از دود اتومبیل و آلودگی هوا، غذاهای محتوی مواد افزودنی مثل شیرین‌کننده‌های مصنوعی یا رنگ دهنده‌های خوراکی، مواد جلوگیری کننده از فاسد شدن غذا که در بعضی از غذاهای آماده وجود دارد نیز در ایجاد این اختلال سهیم هستند. همچنین رسانه‌ها با تقویت خیال‌پردازی و آرزوگرایی بیش از اندازه سهم زیادی در عدم تمرکز فرزندان دارند. این موارد از جمله عواملی است که در این دوران روزبه‌روز بیشتر می‌شود.

۴. تجد و نو طلبی

جوانان شیفته سبک‌های نوین در روزگار خود هستند. آن‌ها به هر چیز تازه‌ای با خوش بینی می‌نگرند. از این رو اگر آن‌ها را بین دو فکر نو قدیمی، دو لباس جدید و سنتی، دو روش امروزی و دیروزی مخیر سازند؛ گزینه نو تازه را انتخاب می‌کنند.

پس حتی در بیان معارف باید دقت داشت تا نوجوان بوی تازگی استشمام کند. معارف ناب اسلام را می‌توان طوری بیان کرد که نوجوان آن را سخنی تازه و نو متناسب با فطرت خود قلمداد کرده تا آن را اخذ کند. البته اینجا می‌توان در روش‌ها و قالب‌های ارائه‌ی معارف نیز ابتکاراتی داشت که ان شاء الله در جای خود به عرض رسانده می‌شود.

۵. حساسیت و تأثیرپذیری بالا

نوجوان به دلیل این که در دوران ویژه‌ای به سر می‌برد، از حساسیت خاصی برخوردار است. در برابر هر برخورد، عکس‌العمل نشان می‌دهد. گاهی در مقابل انتقادهای داد و فریاد می‌کند. درها را به هم می‌زند یا اشیاء را پرتاب می‌کند.

البته لزوماً این ویژگی منفی نیست بلکه حساسیت و دقت بالای نوجوانان نشان از تربیت‌پذیری بالای آنها نیز دارد. مربیان به این واسطه می‌توانند با کمترین عمل بیشترین تأثیر را داشته باشند. چراکه آنها در برابر هر تعلیم و برخوردی تأثیر می‌پذیرند و عکس‌العمل نشان می‌دهند. قلب نوجوان مانند زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود.^{۱۴}

مربیان به شدت باید دقت کنند که این حساسیت بالا را با برخوردهای بد زایل نکنند. اگر مربی نوجوان با یک اشاره ابرو تغییر در چهره خودش را عوض می‌کند چرا باید به تنبیه‌های سخت‌تر متوسل شد. حتی در نحوه صدا زدن و نگاه کردن به او باید دقت کرد. به خصوص از بروز هرگونه تبعیض ناعادلانه در برخوردها باید خودداری نمود. در انتقاد به مربی باید جوانب احتیاط را رعایت کرد و حتی‌الامکان مربی و مخصوصاً والدین مستقیماً انتقاد نکنند. می‌توانید از خودشان بخواهید در مورد عملکردشان نظر دهند و یا در صورتی که لازم شد شخصاً اشتباهش را متذکر شوید، خودش را از اشتباهش جدا کنید و از کوچک کردن شخصیت مربی به شدت پرهیز کنید. همان‌طور که قبلاً گفته شد روش‌ها باید در مباحث دیگری به صورت تفصیلی بیان شود و اینجا فقط به اشاره‌ای اجمالی بسنده شده است.

۶. احساس شخصیت

این ویژگی از حب ذات که در همه‌ی انسان‌ها وجود دارد ناشی می‌شود. بنابراین نمی‌توان آن را از ویژگی‌های خاص دوره‌ی نوجوانی به حساب آورد اما می‌توان ادعا کرد که در این دوره این ویژگی شدت دارد. نوجوان دوست دارد دیگران برای او ارزش قائل شوند و او را گرمی بدارند. تلاش می‌کند به دیگران بقبولاند فردی مهم و کارآمد است؛ از این رو از هر نوع بی‌توجهی آزرده‌خاطر می‌شود و به شدت موضع‌گیری می‌کند.

نوجوان به نوع لباس، نوع آرایش مو نوع واکنش‌هایش در برخوردها افتخار می‌کند و به اصطلاح در جمع همسالان خود «قیافه» می‌گیرد. او به ابراز شخصیت و خودنمایی می‌پردازد؛ او می‌خواهد بفهماند که من هم بزرگ شده‌ام. مقداری از وقت خود را صرف وضعیت ظاهری خود می‌کند و سعی دارد خود را شخصی آراسته بنمایاند. وی برخلاف دوران کودکی در پوشش و آرایش ظاهر خود سختگیری به خرج می‌دهد.

در این راستا، والدین و مربیان با برخورد مناسب و هدایت او در نوع برخوردهایش ضمن احترام به شخصیت وی، می‌توانند او را در مسیر صحیح هدایت کنند.

این ویژگی برای تربیت بسیار مهم و حیاتی است و اگر نوجوانی از این احساس بی‌بهره باشد، امیدی به صلاح او نمی‌توان داشت. بنابراین باید به حفظ و ارتقای این ویژگی به صورت مطلوب کمک کرد، هرچند باید برنامه حساب‌شده‌ای داشت تا از انحراف آن به سمت غرور منفی یا انحرافات دیگر جلوگیری کرد. مثلاً در الگوهایی مثل شهدا یا دانشمندان ایرانی اسلامی نشان داده شود که شخصیت و عزت نفس خود را در چه راهی صرف کرده‌اند و به چه جایگاهی بلندی رسیده‌اند.

۷. سرگردانی و کشمکش بین استقلال وابستگی

همان‌طور که قبلاً گفته شد نوجوانی، یک دوره انتقال («برزخی») است. کودکان در زمانی که از خردسالی به بزرگسالی می‌رسند، جنبه‌های کودکانه را کنار می‌گذارند و الگوهای جدید رفتاری و نگرشی را می‌آموزند. اکثر فرزندان به سمت استقلال‌طلبی خیز برمی‌دارند. از دست دادن حمایت‌های بی‌قید و شرط والدین برای کسب احساس استقلال از یک طرف و لذت مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفتن توسط آن‌ها از سوی دیگر، کشمکش درونی ایجاد می‌کند.

بعضاً خانواده و مدرسه و جامعه نیز از او توقعات متناقض دارند، گاهی او را به چشم یک کودک نگاه کرده و برخوردی تحقیرآمیز دارند. گاهی نیز به چشم بزرگسالان به او نگرسته و از او توقعاتی بیش از حدّ توانش را انتظار دارند که این خود به کشمکش‌های درونی نوجوان دامن زده و او را با مشکل روبرو می‌سازد.

همچنین فرد از جهت دیگری نیز دچار سرگردانی می‌شود، چون بین ارزش‌های حاکم در مدرسه، خانواده و اجتماع و دوستان هماهنگی نمی‌یابد و مشاهده می‌کند که هریک از آنان، ارزش‌های متفاوتی ارائه می‌دهند، بنابراین در این‌که کدام ارزش را بپذیرد، دچار سرگردانی می‌شود. معمولاً این کشمکش‌ها نوجوان را به فاصله گرفتن و استقلال فکری و قلبی و رفتاری از خانواده وابستگی به گروه همسالان می‌کشاند.

تذکر مهم برای والدین: نوجوان نسبت به والدین به شدت منتقد و جسور می‌شود تا جایی که روابط صمیمانه خویش با والدینش را به مخاطره می‌اندازد. به طور کلی والدین در روابط خود با نوجوان چالش بزرگی دارند. چون استقلال طلبی، تجدد طلبی و برخی ویژگی‌های دیگر نوجوان باعث می‌شود نوجوان از آن‌ها فاصله گرفته، انتقاد آن‌ها را پذیرا نباشد و به شدت به آن‌ها انتقاد کند. بنابراین والدین در برخورد خود با نوجوان باید بسیار محتاط باشند و فرزند خود را به صورت غیرمستقیم و از طریق یک شخص سوم (مثل مربی یک مجموعه تربیتی یا فرد مورد اعتماد دیگری) مدیریت کنند. و البته شخص سوم وظیفه دارد فرزند را به سمت والدین سوق دهد.

۸. علاقه به دوستی با همسالان

بشر در تمام مراحل زندگی خویش همواره نیازمند دوستی با دیگران است؛ نوجوانان و جوانان نیز در این سنین، به گروه همسالان، علاقه بیشتری پیدا می‌کنند، با آنان روابطی دوستانه و صمیمانه برقرار می‌سازند و دوست دارند بیشتر اوقاتشان را با آنان بگذرانند. گاه این علاقه و دوستی تا مرحله عشق ورزیدن پیش می‌رود. آن‌ها به همسالان خود پناه می‌برند، چون مشکلاتی مشابه دارند. با یکدیگر انس می‌گیرند و بلکه رفتارشان نیز در یکدیگر تأثیر می‌گذارد. نوجوان به سوی دوستان و همسالانش گرایش دارد و دایره دوستی‌هایش را افزایش می‌دهد. از این رو ارزش بزرگسالان والدین نزد او رو به کاهش می‌گذارد و سطح ارتباط او با آنان پایین می‌آید. در واقع او در این مرحله به سوی استقلال عاطفی گام برمی‌دارد.

بنابراین انتخاب دوست در این دوران، از اهمیت زیادی برخوردار است. چه این‌که سعادت و خوشبختی نیز در معاشرت و دوستی با مردم بزرگوار فراهم می‌شود. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده است:

«سعادتمندترین مردم کسی است که با مردم بزرگوار معاشرت و دوستی نماید». لذا لازم است والدین در انتخاب دوست فرزندان خود را یاری نمایند.

معمولاً اگر نوجوانی دوست بدی برگزید نمی‌توان با نصیحت و لکه‌دار کردن شخصیت دوست، آن‌ها را جدا کرد بلکه در این زمینه اولاً باید به فکر پیش‌گیری از راه اتصال به‌هنگام او به جمع دوستان خوب بود و ثانیاً بهترین راه حل، تدبیر برای جایگزین کردن دوست خوب برای اوست. به‌هر حال اگر والدین و مربیان به هوش باشند این ویژگی تمایل به دوستان بیشتر از آنکه تهدید باشد فرصتی طلایی برای تربیت فرزند است. گو اینکه استفاده مثبت از دوستان او در حل مشکلات، کمک بسیار خوبی نیز می‌تواند باشد.

۹. مرحله الگوبرداری و تقلید

مرحله تقلید در نوجوان از سن دوازده سالگی آغاز می‌شود. او از همکلاس‌های ویژه (از نظر درسی و اخلاقی مانند شلوغ کردن یا منظم بودن) تقلید می‌کند. والدین و مربیان باید در معرفی الگوهای مناسب پیش‌دستی کرده و قبل از آنکه قلب نوجوان با الگوهایی که از طرف غرب معرفی می‌شود فتح شود، اسوه‌ای حسنه را برگزیند.

همچنین آنچه در این مرحله باید به آن توجه نمود، انواع تقلید است که گاهی کورکورانه است و گاهی آگاهانه. در تقلید کورکورانه، مقلد از هر عمل مضر یا غیر مضر به‌طور ناآگاهانه پیروی می‌کند؛ اما در تقلید آگاهانه شخص مقلد، نکات مثبت اعمال مقلد را انتخاب نموده و از آن پیروی می‌کند و اعمال ناشایست را تشخیص داده، کنار گذاشته و تقلید نمی‌کند.

۱۰. هیجان‌های درونی و تنوع خصلت‌های رفتاری (عدم تعادل و بی‌ثباتی)

نوجوان گاه نسبت به بزرگسالان، بی‌اعتماد و بی‌اعتناست و گاه با اعتماد که این نوسانات، از هیجان‌های درونی او سرچشمه می‌گیرد.

نوجوان به سرعت خشمگین می‌شود و در کنترل رفتار خویش ناموفق عمل می‌کند. از سوی دیگر حاضر نیست به سخن و توصیه اطرافیان توجه نماید، و در مواردی به‌زودی پشیمان شده، خود را سرزنش می‌کند.

از خصوصیات برجسته وی در این دوره زودرنجی او است که وابسته به غدد داخلی و ترشحات هورمونی و نوع تربیت و آموزش وی است.

اعمال نوجوان و جوان دارای پختگی نبوده و در حال تغییر و دگرگونی است و دائماً رنگ عوض می‌کند. برای مثال گاهی زرنگ است و گاهی تنبلی می‌کند، کنجکاوی و بی‌اعتنایی، علاقه به تنهایی با وجود دوست متعدد، عقل‌گرایی و حس‌گرایی شدید، نباید تظاهرات رفتاری او را اموری همیشگی قلمداد کرد.

۱۱. غلبه احساسات بر عقل و منطق

دلیل و منطق در او ضعیف است و عقل و برهان، در او تحت الشعاع دیگر خصوصیات (مانند غرور، احساسات و عواطف) وی است. شاید به همین دلیل در برخی موارد او در برخورد با مسائل می‌کوشد از رویارویی با واقعیات بگریزد.

در صورت شکست دچار یأس و افسردگی می‌گردد. در مواقعی به گوشه تنهایی پناه می‌برد و در حالت‌های افراطی به خاطر فرار از احساس سرشکستگی دست به بزه و خطا می‌زند.

گاهی نوجوان احساس می‌کند آنچه را که از او می‌خواهند، نمی‌تواند انجام دهد. به دلیل ناسازگاری خواسته‌های نامحدود با توانایی‌های محدود، احساس ناکامی می‌کند. در این موارد نباید فوراً کار را از دست او خارج کرده و ابتکار عمل را در دست گرفت. بلکه باید به واسطه‌ی کمک‌هایی مناسب، خود او را راه بیندازیم.

۱۲. قوت خیال‌پردازی

در سنین نوجوانی، قوه خیال‌فرزندان قوی‌تر از عقل آن‌هاست. نوجوان دوست دارد خیال‌پردازی کند و دنیای رؤیایی برای خود بسازد. بنابراین استفاده از داستان، شعر و تمثیل و قالب‌هایی از این دست می‌تواند نقش مؤثری در بیان معارف مورد نیاز داشته باشد. همچنین برخی می‌گویند خلاقیت از همین قوه خیال ناشی می‌شود. بنابراین هرچند به بهره‌برداری صحیح از این ویژگی نوجوان پرداخته می‌شود در عین حال از تقویت عقلانیت او نباید غفلت ورزید و برای این امر مهم نیز باید برنامه‌هایی داشت که باید در جای خود بحث شود.

۱۳. گرایش زیاد به خوبی‌ها

«قال الصادق (علیه السلام): عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ»؛ (امام صادق (علیه السلام): فرمودند: به تربیت

نوجوانان بیشتر توجه کنید که آنان در کارهای نیک شتاب بیشتری دارند.)^{۱۵}

مجموعه‌ای از گرایش‌های فطری چون حق‌طلبی، احساسات کمال‌جویانه و برخی کشش‌های روحانی دیگر در وی بروز می‌کند و آمادگی زیادی برای پذیرش فضیلت‌های انسانی، ارزش‌های اخلاقی و معنوی دارد. به عنوان مثال حس فداکاری و دفاع از مظلوم در او جلوه‌گر می‌شود و در برابر ستم می‌ایستد و حاضر نیست در برابر حرف زور ساکت بماند.

امروزه روان‌شناسان معتقدند دوره بلوغ، دوره بروز احساسات مذهبی و تمایل‌های معنوی است. در این دوره جوانان مایل‌اند از مبدأ هستی آگاه شوند، خالق خویش را بشناسند و با خدای خویش رابطه برقرار نمایند. این حس مخصوصاً در شانزده سالگی به اوج می‌رسد که اگر به‌درستی هدایت شود، عامل مهمی برای رشد معنوی جوانان است.

موریس دبس می‌گوید: «گویا همه روان‌شناسان در این نکته متفق‌القول هستند که مابین بحران تکلیف و جهش ناگهانی احساسات مذهبی ارتباطی وجود دارد. در این اوقات، یک نوع نهضت مذهبی حتی در کسانی دیده می‌شود که قبلاً، نسبت به مسائل مربوط به مذهب و ایمان لاقید بوده‌اند.»

۱۴. تغییرات ذهنی

پیاژه، روان‌شناس معروف سوئیسی، مطالعات تجربی ارزشمندی انجام داده و به این نتیجه رسیده که پایان سن ۱۴ - ۱۵ سالگی آخرین حد تکمیل ساختمان‌های ذهنی است و از آن پس هیچ ساختمان جدیدی در ذهن بنا نمی‌شود و امتیاز بزرگ سال و نوجوان تنها به کم و بیش بودن تجارب است.

پیاژه در این زمینه می‌گوید: کودکان غالباً مشاهده‌کنندگان جهان خارجی هستند و در قید واقعیت محصورند (تفکر حسی - حرکتی) و تفکر آن‌ها وابسته به اشیای خارجی است. ولی نوجوان قدرت ذهنی فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند که او را از قید واقعیت‌های خارجی رها می‌سازد و او را به عالم ذهنی و درونی خود متوجه می‌گرداند. نوجوانی دوره تفکر انتزاعی است، من او آن قدر قوی است که می‌تواند دنیا را از نو بنا کند

و چنان بزرگ است که می‌تواند آن را جزئی از خود کند؛ همان‌گونه که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «اتزعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر؛ شما فکر می‌کنید یک موجود کوچک هستید، در حالی که کل (جهان) در درونتان نهفته است».

بر اساس همین تفکر انتزاعی، بعضی از نوجوانان خوب می‌نویسند وقایع را دقیق مجسم می‌کنند و بعضی خوب سخنوری می‌کنند و مفاهیم را در قالب‌های متعدد بیان می‌نمایند.

۱۵. نوجوانی، زمان جستجوگری هویت است

چطور نوجوان به یک تیم فوتبال علاقه‌مند می‌شود؟ می‌گوید من پرسپولیسیم یا استقلالیم! چطور به یک گروه موسیقی یا حتی گروه‌های شیطان‌پرستی علاقه‌مند می‌شود؟ چطور به یک گروه همسالان که در قهوه‌خانه‌ای شکل گرفته آن‌قدر علاقه‌مند می‌شود که حاضر است از وقت و مال و حتی جان خود برای آن‌ها هزینه کند؟

نوجوان در جستجوی هویت خویش است. شاید این ویژگی از مهم‌ترین ویژگی‌های نوجوان باشد که غفلت از آن صدمات جبران‌ناپذیری به وارد خواهد کرد. ایجاد هویت‌های مناسب دینی و ملی یکی از نیازهای اساسی برای قوام شخصیت نوجوان در این دوران است. هویت‌هایی مثل بچه مسجدی یا بسیجی بودن باید مایه افتخار شود. از سوی دیگر بی‌توجهی به این مسئله خطر «بحران هویت» را در پی دارد که عواقب خطرناک و اسف‌بار آن می‌تواند تا مدت‌ها دامن‌گیر شخص و جامعه وی شود.

البته خود نوجوان و جوان به دنبال محیطی می‌گردد تا در آن محیط رشد ذهنی یابد و خلاقیت خویش را نشان دهد و رفتارش مورد تأیید قرار گیرد؛ و این محیط اگر به‌طور مناسب فراهم نباشد با محیط‌ها و گروه‌های جعلی دیگر خود را راضی می‌کند.

ویژگی‌های نوجوان امروزی

برای تکمیل شناخت از مخاطب، احتیاج هست که ویژگی‌های امروزی بودن او را نیز بررسی کنیم، ویژگی‌هایی که به شدت متأثر از فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌ها، رسانه، اقتصاد، آموزش و به‌طور کلی «عصر حاکم» است. امروز به همان نسبتی که ابراز شناخت و معرفت افزون‌تر شده و دستیابی به کتب و منابع معرفتی سهل‌تر گشته است، عوامل غفلت‌آفرین نیز فزونی گرفته است. جوان دیروز، اگر از شش جهت می‌بایست مراقب خود باشد، جوان امروز باید راه نفوذ را از شصت جهت بر شیاطین متعدد بیرونی ببندد و در آن واحد در شصت جبهه بجنگد تا بتواند هویت و شخصیت و معنویت خود را حفظ کند.^{۱۱}

بدیهی است که بین این قسمت از «مخاطب‌شناسی» و «مسائل نوجوان امروزی» ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ و چون در بخش «مسائل نوجوان امروزی» به این قسمت پرداخته شده است، نیازی به تکرار دوباره آن مباحث نیست. ویژگی‌هایی مثل پرخاشگری و عصبانیت بیش‌ازپیش، شتاب‌زدگی، پرتوقع بودن، تنوع‌طلبی، راحت‌طلبی، اطلاعات گسترده و بی‌فایده، سطحی بودن، عدم آرامش و بی‌قراری، ظاهرگرایی و غیره، ویژگی‌هایی هستند که هرچند اغلب این موارد از قبل در وجود نوجوانان و انسان‌ها ریشه داشته است، اما عصر حاضر بیش از هر زمان دیگری به آن‌ها دامن زده و آن‌ها را گسترانیده است.

۱. مسئولیت و سازندگی ص ۲۹، علی صفایی حائری

۲. تحف العقول ص ۱۷۱

۳. میل به هرآنچه ملایم با طبیعت حیوانی است.

۴. میل به غلبه و انتقام

۵. خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفاً سوره مبارکه نساء/آیه ۲۸

۶. قرآن حکیم عجله زیاد انسان را به عنوان یکی از ویژگی‌های عام انسان بر می‌شمرد. كَانِ الْإِنْسَانُ عَجُولاً - سوره مبارکه اسراء/آیه ۱۱، خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ - سوره مبارکه انبیاء/آیه ۳۷، إِنَّ هَؤُلَاءِ يُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ يَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا - سوره مبارکه انسان/آیه ۲۷.

به نظر می‌آید این ویژگی ناشی از غرایز حیوانی انسان برای رسیدن به آمال و آرزوهایش است. انسان دنیایی بدون توجه به زندگی ابدی خود، عاجله و خوشی‌های زودگذر و ظاهری آن را طلب می‌کند. این درحالی است که عقل انسانی به صبر و مقاومت در امور حکم می‌کند و از شتاب زدگی و عجل بودن بی‌موقع نهی می‌کند.

اما نوجوان امروز بیش از هر موقعی دچار این خصوصیت مذموم است. چرا که تکنولوژی در برخی امور به انسان‌ها کمک می‌کند تا با یک دکمه و بسیار سریع به بسیاری از خواسته‌های خود برسند. این در حالی است که برآورده شدن بسیاری خواسته‌های متعالی انسانی نیاز به تلاش و همت و صرف وقت و عمر دارد. مثلاً علم آموزی و کسب معرفت و به دست آوردن موفقیت در دنیای واقعی جز با متمرکز شدن بر کار و صبر و مقاومت ایجاد نمی‌شود، در حالی که نوجوانان امروز یاد می‌گیرند چطور به موفقیت‌های توهمی در فضای مجازی دلخوش کنند. باید پذیرفت مهم‌ترین کار انسان در این دنیا خودسازی علمی و عملی است و برای این امر مهم دکمه‌ای نمیتوان گذاشت و قرص و کپسولی ندارد. بلکه خداوند متعال می‌فرماید: وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ لِلْإِنْسَانِ جَزْآنَ جِزْآنِهِ تَلَّاحٌ كَذِبٍ

۷. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَقُلْتُ الْمَلَائِكَةُ أَفْضَلُ أَمْ بُنُودَآءُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلاً بِلا شَهْوَةٍ وَ رَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بِلا عَقْلٍ وَ رَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلْتَيْهِمَا فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتُهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَ شَهْوَتُهُ عَقْلُهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ

أصول کافی، جلد ۱، صفحه ۱۰

عبدالله بن سنان (از اصحاب امام صادق علیه السلام) نقل می‌کند: من از حضرت سؤال کردم که ملائکه افضل و بالاترند یا بنی آدم؟ پس حضرت علیه السلام فرمودند: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند به راستی که خداوند عزوجل در وجود ملائکه عقل را آمیخت، بدون آن که شهوت برایشان قرار دهد و در وجود حیوانات شهوت را در آمیخت بدون آن که عقل برایشان قرار دهد. ولی در بنی آدم هر دو آنها را درهم آمیخت. پس هر انسانی که عقل او بر شهوتش غلبه کند او بهتر از ملائکه است. و هر انسانی که شهوت او بر عقل او غلبه نماید او از حیوان پست‌تر و شرتر است.

۸. حسین لطف آبادی، روان شناسی رشد ۲؛ نوجوانی، جوانی و بزرگ سالی، ص ۶۱

۹. «ژان پیاژه» از صاحب نظران روان شناسی رشد است که در سال ۱۸۹۶ در سوئیس به دنیا آمد و در سال ۱۹۸۰ چشم از جهان فرو بست. وی بیشترین همت خود را در ارتباط با جریان تفکر و نظام شناختی کودک صرف کرد و به مطالب خوبی دست یافت. «کهلبرگ» روان شناس آمریکایی نظریه‌ی رشد اخلاقی پیاژه را را بسط داد و مراحل شش‌گانه‌ای را برای رشد اخلاقی مطرح کرد که شامل مراحل سنین زیر هفت سالگی تا پس از بیست سالگی می‌باشد.

۱۰. اصغر طاهرزاده، کتاب جوان و انتخاب بزرگ، ص ۲۷

۱۱. برگرفته از مقاله‌ی نگاهی به تحولات دوران نوجوانی جسمی، جنسی، شناختی و اخلاقی، ماهنامه معرفت، شماره ۱۰۴

۱۲. برای دریافت راهکارهای مواجهه با این مسئله به بحث مسائل نوجوان امروزی مراجعه کنید.

۱۳. مجتبی وافی، منشور مربیان، طرح تابستانی طلوع

۱۴. نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص ۵۲۳.

۱۵. مجلسی محمدتقی، بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۳۶

۱۶. سید مهدی شجاعی – <http://www.hawzah.net>